

تهیه‌کننده «بچه زرنگ»، تنها انیمیشن حاضر در
چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر در گفت‌وگو با «ایران»:

توسعه صنعت انیمیشن سازی

نیازمند معماری و برنامه‌ریزی دقیق است

می‌توانیم جزو ۲۰ کشور مطرح تولیدکننده انیمیشن در دنیا باشیم

آذین آقاجانی / «بچه زرنگ»
به‌عنوان تنها انیمیشن حاضر در
جشنواره فیلم فجر امسال، با
استقبال خوبی از سوی منتقدان
و مخاطبان روبه‌رو شد. تولید
انیمیشن‌های باکیفیت در چند
سال اخیر نوید روزهای خوبی
را برای صنعت انیمیشن‌سازی
می‌دهد. برای بررسی بهتر وضعیت
انیمیشن‌سازی ایران با حامد
جعفری تهیه‌کننده «بچه زرنگ»
به گفت‌وگو پرداختیم. جعفری
تهیه‌کننده آثاری چون «شاهزاده
روم» و «فیلشاه» هم بوده و تجربه
خوبی در تولید انیمیشن دارد.



وسواس زیادی به خرج می‌دهیم و این
موضوع برایمان بسیار مهم است.

■ **مخاطب «بچه زرنگ» چه گروه سنی‌ای
است و آیا مثل خیلی از انیمیشن‌های خارجی،
جذب بزرگسالان هم مد نظر بوده است؟**

ابتدا لازم می‌دانم این توضیح را بدهم که
پروژه تولید انیمیشن با سایر گونه‌های
نمایشی و تصویری تفاوت‌هایی دارد. به‌عنوان
مثال، در کارهای تلویزیونی غالباً مؤلف کارها
«تهیه‌کننده» است، در تئاتر «کارگردان»، در
سینمای رئال «نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان»
و در فیلم‌هایی که موسیقی خیلی مهم است،
«موزیسین»؛ در حقیقت در همه این تولیدات
ما با اشخاص طرف هستیم. ولی انیمیشن
اینگونه نیست و ما انیمیشن‌ها را به اسم
کمپانی‌های آنها می‌شناسیم و مثلاً می‌گوییم
کارهای پیکسار، دیزنی و... در واقع تولید
انیمیشن «جمع محور» است. چنین فضایی در
کشور ما تازه است و تجربه کمی در آن داریم.
در حالی که وقتی درباره سینمای والت دیزنی
صحبت می‌کنیم از ۱۰۰ سال تجربه‌ای که در آن
رسوخ کرده حرف می‌زنیم. اما در ایران حداکثر
۱۶-۱۵ سال است که در این حوزه سابقه داریم.
با وجود این تجربه کم و با توجه به تعاملی که
با مخاطب داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که
باید در کارهایمان فضایی هم در نظر بگیریم
برای اینکه علاوه بر مخاطب اصلی که کودکان و
نوجوانان هستند حتماً والدین آنها یا دوستان و
اطرافیان‌شان جذب اثر شوند. پس ما باید یک
نقطه‌گذاری برای این اتفاق داشته باشیم که
آنچه می‌سازیم برای بزرگترها هم خسته‌کننده
نباشد. در تولید «بچه زرنگ» ما تلاش کردیم
قصه برای مخاطب بزرگسال هم جذاب باشد.

دستمان رسید و به خاطر احترام و اعتمادی
که مخاطب به ما داشت، در همان مرحله و
با وجود هزینه‌هایی که شده بود، پروژه «بچه
زرنگ» را متوقف و با استادان، کارشناسان و
خبرگان این حوزه مشورت کردیم تا بتوانیم
مشکلاتی را که در پروژه‌های قبلی وجود
داشت در این پروژه اصلاح کنیم. این توقف
و اصلاح از جمله مواردی بود که باعث شد
«بچه زرنگ» با تأخیر انجام شود. مسأله دوم،
«کرونا» بود که منجر به تعطیلی سینماها
شد. این تعطیلی باعث شده بود که دورنمای
مشخصی نسبت به اکران سینمایی وجود
نداشته باشد، لذا انگیزه کافی برای تسریع
در فرایندها و تمام کردن زودتر این پروژه در
هنرپویا کمتر شد. از همین‌رو برخی فرایندها
را با آهستگی بیشتری پیش بردیم و در
کنار آن پروژه‌های دیگری را شروع کردیم تا
بتوانیم این مسأله را مدیریت کنیم. البته
بروز برخی مشکلات و موانع و مسائل کاری
و اداری هم به طولانی شدن پروژه دامن زد
که آنها هم جای خود را داشت و در مجموع
همه اینها موجب شد این پروژه کمی بیشتر
از پروژه‌های دیگر خودمان طول بکشد. الان
مطمئنیم که این صبوری ارزشش را داشت. البته
البته از آنجا که ما برای کودکان و نوجوانان
کار می‌کنیم طبیعتاً به لحاظ کیفی در محتوا

■ **شما تولیدکننده انیمیشن‌های «شاهزاده
روم» در سال ۹۳ و «فیلشاه» در سال ۹۶ بودید
و حالا پس از ۵ سال «بچه زرنگ»، علت این
وقفه طولانی چه بود؟**

■ عموماً در همه جای دنیا فرایند ساخت
انیمیشن سینمایی بین ۳ تا ۵ سال طول
می‌کشد. بعد از اقبالی که مخاطب نسبت به
اثر «شاهزاده روم» داشت برنامه‌های طراحی
کردیم تا بتوانیم طی ۱۰ سال به نقطه‌ای
برسیم که هر سال انیمیشن برای اکران
در سینما داشته باشیم. با همین رویکرد
تلاش کردیم «فیلشاه» را بسازیم و با توجه
به فراهم بودن شرایط، این اثر ساخته شد.
اما در پروژه «بچه زرنگ» چند اتفاق موجب
شد اکران پروژه به تعویق بیفتد. یکی از موانع
این بود که همزمان با پیش تولید این پروژه،
«فیلشاه» هم در حال اکران بود. برای همین
از برخی استادان و دانشجویان رشته ارتباطات
دانشگاه علامه طباطبایی درخواست کردیم که
در سینماها یا مخاطبان اثر، اعم از کودکان و
نوجوانان و والدین‌شان صحبت کنند و نظرات
و بازخوردهای آنان را نسبت به اثر و نقاط قوت
و ضعفش به ما گزارش دهند؛ جمع‌بندی این
موارد کمی زمان برد و تقریباً اواخر سال ۹۷ و
در میانه فرایند لی‌اوت اثر «بچه زرنگ» بودیم
که نکات مربوط به «فیلشاه» به



نگاهی به فیلم «اتاقک گلی» از بهترین فیلم‌های
سینمای دفاع مقدس در جشنواره فیلم فجر

تصویری واقع‌گرایانه از قساوت منافقین

محمدصادق عابدینی
منتقد سینما

مدنظر قرار داده است. از سوی دیگر
قساوت منافقین در کشتار مردم،
که تا حدودی در «ماجرای نیمروز»
به تصویر کشیده شده بود، این بار
در حجم بیشتری به نمایش درآمده
است. تورج الوندی، بازیگری که با
فیلم «نگهبان شب»، ساخته سیدرضا
میرکریمی به سینما معرفی شد، در
«اتاقک گلی» بازیگر نقش شاهو
است. شاهو جوانی است که در
ابتدای فیلم یک شخصیت منفعت
طلب دارد و در طول فیلم چهره
یک قهرمان را به خود می‌گیرد.
فیلم به دلایل اقتصادی از آوردن
چهره‌های شناخته شده خودداری
کرده است و همین موضوع باعث
شده تا باورپذیری داستان با حضور
چهره‌های گمنام بیشتر شود. «اتاقک
گلی» از حیث پرداختن به جلوه‌های
ویژه حساسیت به خرج نداده است و
جلوه‌های ویژه میدانی فیلم از نقاط
قوت آن به شمار می‌رود. استفاده
مناسب از جلوه‌های ویژه باعث شده
تا جذابیت بصری فیلم افزایش یابد
و آن را برای مخاطب به اثری جاندار
تبدیل کند. به نظر می‌رسد نقطه
ضعف فیلم بیشتر در بحث فیلمنامه
است. با وجود اینکه قرار است
بیننده شاهد یک ماجرای واقعی
باشد و چهارچوب‌های داستان از
پیش مشخص است، فیلمنامه تا
حد زیادی از کلیت فیلم عقب‌تر
است. این موضوع بخصوص در
دیالوگ‌ها خودنمایی می‌کند که کار
را به سمت شعارزدگی می‌برد. با این
حال می‌توان امیدوار بود که «اتاقک
گلی» همان طور که با اعتماد به یک
گروه جوان تولید شده است، بتواند
اعتماد علاقه‌مندان به سینمای دفاع
مقدس را به خود جلب کند. با وجود
اینکه در چهل و یکمین جشنواره
فیلم فجر تعداد آثار مرتبط با جنگ
تحمیلی، کم نبود، اما «اتاقک گلی» را
می‌توان مهم‌ترین فیلم دفاع مقدسی
این جشنواره دانست.

فیلم سینمایی «اتاقک گلی»، اولین
تجربه محمد عسگری در فیلمسازی
است، فیلمسازی که در کارنامه خود
سال‌ها دستکاری کارگردانان سرشناس
سینمای ایران را دارد. عسگری در
نخستین فیلمش سراغ یک موضوع
تاریخی در برهه مهمی از دفاع مقدس
رفته است. «اتاقک گلی» بر مبنای
یک اتفاق واقعی شکل گرفته و تأکید
بر اینکه ماجراهای فیلم براساس
واقعیات ساخته شده، نوعی حس
مستندنگاری را به بیننده منتقل
می‌کند. ماجرای فیلم در یک روستای
مرزی در استان کرمانشاه می‌گذرد.
مردم روستا که از وقایع جنگ
بی‌خبرند با حضور انبوه نیروهای
مسلاح‌گافگیر می‌شوند و وقتی که
آتش درگیری شعله می‌کشد متوجه
می‌شوند که روستا به بخشی از
میدان عملیات مرصاد تبدیل شده
است. «اتاقک گلی» دومین اثر قابل
اعتنای سینمایی درباره عملیات
مرصاد است. پیشتر محمدحسین
مهدویان در «ماجرای نیمروز، رد خون»
به شکل مفصلی به این عملیات ویژه
پرداخته بود و چگونگی متلاشی شدن
ارتش منافقین در مرصاد را به تصویر
کشیده بود. اما فیلمی که عسگری
ساخته است به جنبه دیگری از این
عملیات و کشتار مردم بی‌گناه توسط
منافقین پرداخته است.

نجات مردم یک روستا که در معرض
کشتار توسط منافقین هستند و ایثار
نیروهای سپاه در فدا کردن جان
خود برای حفظ جان روستاییان خط
اصلی داستان فیلم «اتاقک گلی»
را شکل می‌دهد. اگرچه «اتاقک
گلی» در پرداختن به این موضوع تا
حدودی درگیر شعارزدگی می‌شود،
اما نگاه ملی غالب در فیلم کاملاً
به چشم می‌آید. «اتاقک گلی» از
این‌رو می‌تواند فیلمی متفاوت در
سینمای دفاع مقدس باشد که
فداکاری نیروهای ایرانی در حفظ
جان هموطنان خود را به طور ویژه



نجات مردم یک
روستا که در
معرض کشتار
توسط منافقین
هستند و ایثار
نیروهای سپاه در
فدا کردن جان
خود برای حفظ
جان روستاییان
خط اصلی
داستان فیلم
«اتاقک گلی» را
شکل می‌دهد.
اگرچه «اتاقک
گلی» در پرداختن
به این موضوع
تا حدودی درگیر
شعارزدگی
می‌شود، اما نگاه
ملی غالب در
فیلم کاملاً به
چشم می‌آید

